زیبایی‌شناسی و فن‌شناسی رنگ در دست‌بافته‌های قشقایی

محمد افروغ[۱]، دکتر اصغر جوانی[۲]، فتحعلی قشقایی‌فر[۳]، دکتر امیرحسین چیت‌سازیان[۴]

چکیده

این مقاله متشکل از دو بخش زیبایی‌شناسی(رنگ‌بندی، چیدمان رنگی یا هم‌نشینی رنگ‌ها در متن بافته) و فن-شناسی (رنگرزی) است. در بخش نخست، به مطالعه، بررسی و تحلیل زیبایی‌شناختی شامل رنگ‌بندی و عوامل تأثیرگذار بر چیدمان رنگی نخ‌ها که به‌وجودآورنده‌ی نقش‌ها هستند، پرداخته شده‌است. در بخش دوم نیز به عرصه فن‌شناختی رنگ‌های به‌کار رفته در دست‌بافته‌های قشقایی شامل رنگزاها، چرخه‌ی(دایره) رنگ، طبقه‌بندی رنگزاهای اصلی، ترکیبات و نحوه‌ی تولید رنگ‌ها و طیف‌های مختلف آن پرداخته شده‌است. یافته‌های این مقاله بیش‌تر و به‌طور عمده بر اساس مطالعات و تحلیل میدانی استوار است. این یافته‌ها به اجمال عبارت‌اند از : تأثیر عواملی نظیر دریافت-های محیطی، طبیعت و عناصر آن و نیز عوامل فرهنگی شامل جنبه‌های جمعی و قومی(باورها، آداب و سنن، آموزه-های پیشینیان) و نیز جنبه‌های فردی(ذوق و سلیقه، تخیل و تعقل، ابتکارات فردی و تمنیّات روحی و درونی) در رنگ‌بندی و رنگرزی و نیز کشف و طبقه‌بندی رنگ‌های مورد استفاده در دست‌بافته‌های عشایری و خاصه قشقایی به دو طبقه‌ی اصلی(متغیر و ثابت) و فرعی یا ترکیبی، هم‌چنین مستندنگاری ۳۳ فرمول رنگرزی در عشایر قشقایی از گذشته تا کنون. پژوهش پیش رو، برای نخستین بار به‌ویژه در حوزه رنگرزی، مستندنگاری و طبقه‌بندی رنگزاها و ترکیبات رنگی، نگارش شده‌است. این مقاله از نوع بنیادین و روش تحقیق توصیفی- تحلیلی و شیوه گردآوری اطلاعات میدانی و کتابخانه‌ای است.

اهداف پژوهش

مستندنگاری، رصد و طبقه‌بندی علمی ترکیب‌های رنگی و رنگزاهای طبیعی و گیاهی و هم‌چنین جستجوی عوامل تأثیرگذار در هم‌نشینی رنگ‌ها در متن دست‌بافته‌ها مبتنی بر رویکرد بومی، قومی و ایلی.

سؤال‌ها

عوامل مؤثر در رنگ‌بندی دست‌بافته‌های عشایری کدامند؟آیا نظام رنگرزی دست‌بافته‌های عشایرقشقایی از ترکیب-ها(فرمول‌ها) و چرخه‌ی رنگی مختص خویش دارد؟ این ترکیب‌ها و چرخه کدامند؟

واژگان کلیدی : ایل‌قشقایی، دست‌بافته‌ها، زیبایی‌شناسی، فن‌شناسی، رنگ، رنگ‌بندی، رنگرزی.

[۱] . عضو هیأت علمی دانشگاه اراک، گروه آموزشی فرش(نویسنده مسؤول) Email : m-afrugh@Araku.ac.ir
[۲]. عضو هیات علمی دانشگاه هنر اصفهان، گروه آموزشی نقاشی. Email : m-afrugh@Araku.ac.ir
[۳]. عضو هیأت علمی دانشگاه کاشان، گروه آموزشی فرش. Email : m-afrugh@Araku.ac.ir
[۴]. عشو هیأت علمی دانشگاه کاشان، گروه مطالعات عالی هنر. Email : m-afrugh@Araku.ac.ir.

مقدمه

شناخت جنبه‌های مختلف دست‌بافته‌های عشایری از طریق پژوهش‌های کیفی و کمی از دو بُعد حائز اهمیت است. نخست، آگاهی نسبت به دست‌بافته‌ها به‌عنوان بخشی از هویت و میراث‌هنریِ قومی و تلاش در جهت صیانت از آن‌ها و دوم، ظرفیت بالای دست‌بافته‌های عشایری در کارآفرینی بومی هنر در جهت رشد اقتصاد قومی و ملی با رویکردی خلاقانه و کاربردی محور. ازاین‌رو، رنگ(رنگ‌بندی و رنگرزی)، یکی از مهم‌ترین ظرفیت‌ها و مؤلفه‌های کیفی، دیداری(بصری)، زیبایی‌شناختی و فن-شناختی دست‌بافته‌های عشایری است که هم بخشی از دانش بومی در هنر عشایری است و هم عنصر مشترک و مهم در ابعاد هنری و اقتصادی این نوع از هنر است. عنصر رنگ هم در بُعد زیبایی‌شناختی(رنگ‌بندی) و هم در بُعد فن‌شناختی(رنگرزی)، مهم‌ترین مؤلفه‌ی ارزشی در تبیین جایگاه و میزان اعتبار و محبوبیت دست‌بافته‌های عشایری خاصه قشقایی نزد مخاطبان این هنر قومی است.

حفظ و صیانت از دست‌بافته‌های عشایری به‌طور عام و دست‌بافته‌های قشقایی به‌طور خاص، دغدغه‌ای است که همواره مدنظر محققان و فعالان این حوزه(اعم از دانشگاهیان و بازاریان) بوده‌است. به‌نظر می‌رسد که در شرایط رو به زوال هنرهای بومی در اثر عدم کاربرد در زندگی نوین امروزی، پسندیده‌ترین و مناسب‌ترین راهکار برای صیانت از این هنر بومی و قومی، کاربردی کردن دست‌بافته‌ها متناسب با زندگی و نیاز انسان امروزی است. و این امر بدون شناخت مؤلفه‌های مختلف دست‌بافته‌ها، میسر نخواهد بود. رنگ و رنگزاهای طبیعی و گیاهی، مهم‌ترین مؤلفه در این راستا به‌شمار می‌رود که می‌بایست از جنبه‌های مختلف مورد مطالعه، بررسی و تحلیل قرارگیرد و در تولیدات کنونی و آینده مورد بهره‌برداری مجدد قرارگیرید. چه این‌که در تولیدات فعلی دست‌بافته‌های عشایری، از رنگ‌های شیمیائی - که دارای اثرات مخرب هم در زندگی انسان و هم در محیط‌زیست است- استفاده می‌شود و رنگ‌های طبیعی، گیاهی و با ثبات جای خود را به این رنگ‌ها می‌دهد.

بنابراین مطالعه، بررسی و تحلیل رنگ در دست‌بافته‌های عشایری و احیا و به‌کارگیری رنگزاهای فراموش شده، اهمیتی مهم و ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است که هم در بُعد میراث‌فرهنگی و هم اقتصادهنر قومی، می‌تواند دست‌آوردهای مطلوبی برای آفرینندگان، فروشندگان و خریداران دست‌بافته‌ها باشد. چه این‌که حضور رنگ‌ها و رنگزاهای طبیعی و گیاهی در دست‌بافته‌های عشایری به‌طور عام و قشقایی به‌طور خاص، دارای ارزش‌های فرآوان به‌ویژه زیست‌محیطی و اقتصاد سبز است و مهم‌ترین مزیت کیفی در التفات و اقبال، فروش و خرید آن‌ها به‌شمار می‌رود.

پیشینه‌ی تحقیق

با مطالعه، جستجو و بررسی انواع پژوهش‌ها(کتاب‌ها، مقالات، طرح‌های پژوهشی و رساله‌های مقاطع کارشناسی‌ارشد و دکتری) در حوزه‌ی نظام‌بافندگی عشایر خاصه ایل قشقایی، مشخص شد که در حوزه‌ی تحلیل و بررسی رنگ از دو منظر زیبایی‌شناختی و فن‌شناختی و نیز عوامل مؤثر در زیبایی‌شناسی رنگ(رنگ‌بندی و چیدمان رنگی)، طبقه‌بندی علمی انواع درجات رنگی، جستجو و مستندنگاری رنگزاها و ترکیب‌های رنگی و چرخه‌ی رنگی، تاکنون پژوهشی صورت نگرفته و مقاله‌ی پیش رو، نخستین پژوهش در حوزه‌ها و مناظر یادشده می‌باشد.

دست‌بافته‌های عشایری

دست‌بافته‌های عشایری، به‌عنوان نمودی از هنرهای بومی، قومی و کاربردی، تجلی‌گر میراث‌هنری و هویت قومی است. مهم‌ترین و شاید بتوان گفت تنها انگیزه‌ی بافت و تولید دست‌بافته‌های قشقایی بیش‌تر در گذشته و کم‌تر در زمان حال، جنبه‌ی کاربردی و استفاده از دست‌بافته‌ها در زندگی روزمره و براساس نیاز و رفع نیاز بوده‌است، اگرچه در طول فرآیند بافت، از قوه‌ّی ذوق و ذهن نیز مدد گرفته‌است. در بافت و آفرینش دست‌بافته‌های قشقایی، جنبه‌ی کاربردی بافته‌ها و استفاده‌ی مستمر و مداوم از آن‌ها، مهم‌ترین انگیزه در تولید این بافته‌ها بوده‌است. چرا که شرایط خاص زندگی عشایری به‌ویژه در گذشته و به‌طور نسبی در حال‌حاضر، به‌گونه‌ای است که بدون حضور انواع دست‌بافته‌ها سخت و تقریباً غیرممکن می‌نماید. دست‌بافته‌های عشایری و به‌طورخاص قشقایی به‌طور کلی به سه‌دسته‌ی کیسه‌ها، مفروشات و رواندازها تقسیم می‌شود. هر یک از این سه دسته شامل انواع مختلفی است(نمودار شماره۱).

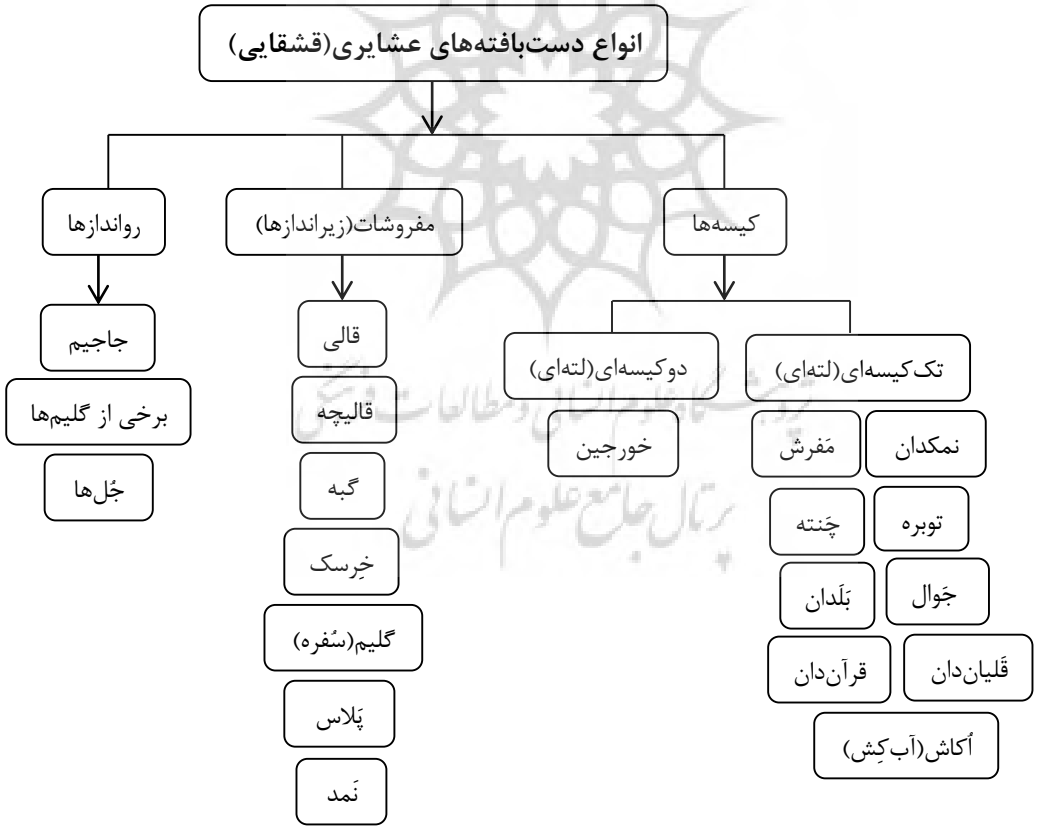

نمودار ۱ : طبقه‌بندی دست‌بافته‌ها از منظر کاربرد(منبع : نگارندگان)

رنگ در دست‌بافته‌های قشقایی

رنگ در بافته‌های قشقایی«دارای اهمیت خاص است به همان‌گونه که دریک تابلو نقاشی. دیدار رنگ‌ها و تلفیق و هم-آهنگی یا تضاد بین آن‌هاست که این پدیده‌ی هنری و کاربردی را زیبایی می‌بخشد، روح می‌دمد و آن‌را ممتاز می-سازد. این رنگ‌بندی و رنگ‌آمیزی است که هربار به نقش‌ها تازگی و طراوت می‌بخشد. رنگ به بافته آن‌چنان ویژگی می‌دهد و بدان‌گونه در ساختار آن نقش تعیین کننده‌ای ایفا می‌کند که بافته‌های نواحی مختلف ایران را ازطریق مشاهده رنگ‌های آن‌ها می‌توان شناخت»(دانشگر، ۱۳۷۶: ۲۵۳). بافنده‌ی قشقایی «هم‌چون نقاش چیره‌دست، با ایجاد هماهنگی و تضاد بین رنگ‌ها می‌تواند نقش فرش را نشاط‌آور، آرامش‌بخش یا محرک و غم‌انگیز سازد. به‌این دلیل است که در بافته‌های عشایری خاصه قالی‌ها، سخن از زبان‌رنگ‌ها شنیده می‌شود و رنگ نماد تفکیک و تجلی گوناگونی و اثبات نور است»(کوپر،۱۳۷۹: ۱۶۹). رنگ در دست‌بافته‌های قشقایی« دارای جاذبه‌ی فراوانی است و برحسب ماهیتش، بیش از هرچیز نگاه را به‌خود جلب می‌کند. انواع رنگ و ترکیب‌های گوناگون آن از مهم‌ترین عناصر زیبایی و کیفیت بافته‌ها به‌شمار می‌رود»(هال‌ودیگران،۱۳۷۷: ۳۶). یکی از برجسته‌ترین ویژگی‌های ارزش‌های زیبایی-شناختی دست‌بافته‌های قشقایی، تفاوت نگاه و خوانش فردی در پردازش رنگی متن دست‌بافته است. هر بافنده، تیره و طایفه‌ای، قراعتی منحصر به خویش از انتخاب و هم‌نشینی رنگ‌ها(رنگ‌بندی) و نقش‌پردازی در بافته‌ی خویش دارد، ضمن این‌که در فرآیند آفرینشِ عناصر و ارزش‌های زیبایی‌شناختی، جنبه‌ها و مفاهیم مشترک به‌ویژه در ساختار بافت، آیین و ارزش‌های قومی و بومی، حضوری برجسته دارد. «قدرت بلامنازع آفرینندگان در ساده‌نمودن نقش‌ها به-همراه رنگ‌آمیزی و گزینش رنگ‌های زنده و پر جنب وجوش و [کیفیت رنگرزی]، قابلیت‌ها و ارزش‌های ویژه و پر اهمیتی است که لازم است موشکافانه تحلیل شود»(ابراهیمی‌ناغانی،۱۳۸۹: ۲۹).

رنگ‌بندی[۵] و مؤلفه‌های مؤثر برآن در دست‌بافته‌های قشقایی(جنبه‌های زیبایی‌شناسی)

زیبایی‌شناسی یکی از مهم‌ترین ابعاد در بررسی قالی ایرانی و دست‌بافته‌های عشایری به‌ویژه عشایر و ایل قشقایی است که در دو بُعد برجسته یعنی "رنگ" و "طرح و نقش" اتفاق می‌افتد. منظور از زیبایی‌شناسی رنگ در دست‌بافته‌های قشقایی، رنگ‌بندی، رنگ‌آمیزی یا چیدمان رنگی(هم‌نشینی رنگ‌ها در متن دست‌بافته‌ها که منجر به آفرینش نقش‌ها می‌شود) است. «رنگ‌بندی، نگاشت رنگ‌های طبیعی و رنگرزی در دست‌بافته‌های عشایری با بهره‌گیری از توان اندیشه و خلاقیت ذهنی، همراه با ذوق‌آزمایی، حضور و حالات درونی هنرمند بافنده صورت می‌گیرد»(صوراسرافیل،۱۳۷۸: ۵). بررسی این جنبه از رنگ در دست‌بافته‌های عشایری به‌طور عام و قشقایی به‌طورخاص، موضوع وسیع و پُردامنه‌ای است و یکی از مهم‌ترین ابعاد در بررسی جنبه‌ی زیبایی‌شناسی دست‌بافته‌های عشایری است، که می‌تواند بازتاب

[۵]. رنگ‌آمیزی یا چیدمان رنگی، هم‌نشینی و قرارگیری رنگ‌ها(رشته‌های رنگی) درکنار هم، ایجاد نقش توسط این چیدمان اتفاق می‌افتد.

اندیشه‌های جمعی و فردی بافندگان اجتماع عشایری باشد. رنگ‌بندی در دست‌بافته‌های قشقایی جولانگاه دنیای خیالین بافندگان این مردمان است. هدف از رنگ‌بندی در دست‌بافته‌های عشایر [قشقایی] جلب نظر مخاطب نیست بلکه ازآن‌جایی که زیبایی در مرتبه‌ای والاتر از امور سودمندی و خردورزی قرار می‌گیرد، لذا می‌توان چنین داعا کرد که هدف نهایی در آثار ایشان، با تمامی آرایه‌ها و فریبندگی نقش‌مایه‌هایشان پالایش عواطف درونی و ارضاء احساسات بافنده است»(ابراهیم‌ناغانی،۱۳۹۳: ۳۵). طراوت و شفافیت رنگ و تنوع و غنای رنگ‌آمیزی، بیش از هر عامل دیگری در شهرت دست‌بافته‌های قشقایی مؤثر بوده است. «توانائی زنان قشقائی در احساس رنگ‌ها و رنگ‌آمیزی گاه چنان باورنکردنی است که به اعجاز می‌ماند هم از نظر فراوانی رنگ و ریزه‌کاری‌های رنگ‌آمیزی و هم ازلحاظ پختگی و گیرایی و چشم‌نوازی و هم ازنظر هماهنگی پرجاذبه وافسون کننده‌ای که جریان وقفه ناپذیر رنگ‌ها را پدیدار می‌کند»(پرهام،۱۳۷۱: ۹۰). اشتهای سیری ناپذیر عشایر قشقایی در کاربرد رنگ در انواع دست بافته‌ها «یادآور این مطلب است که اگر گاهی تنوع پالت رنگی بر بستری از دست‌بافته، ضعیف و کم بضاعت است، تنها به خاطر عدم دسترسی به مواد و مصالح بوده است نه هیچ محدودیت بیانی و معنایی»(ابراهیمی‌ناغانی،۱۳۸۹: ۴۵). رنگ‌بندی‌ها و چیدمان قاب‌های رنگین دست‌بافته‌های قشقایی از یک احساس دیداری و حساسیت تجسمی بسیار قوی نشأت می‌گیرد.

رنگ‌ها بدون هیچ‌گونه تردید و احتیاطی، کاملاً درخشان استفاده می‌شود. «رنگ آمیزی طرح‌ها و نقوش از عوامل بسیار مهمی است که در برخورد اولیه می‌تواند بیننده را مجذوب کند. استفاده بجا از رنگ‌ها و جایگزینی آن‌ها درکنار یکدیگر، دست‌بافته را در نظر بیننده زیباتر جلوه می‌دهد»(یساولی،۱۳۷۴: ۴). درمیان تمام اقوام «زنان قشقایی بیش از همه شیفته رنگ‌ها هستند. سبز، زرد، نارنجی و ارغوانی رنگ‌های غالب هستند. علاقه به رنگ، نه‌تنها در لباس بلکه در بافته‌های زنان ایل دیده می‌شود. رنگ‌های درخشان گیاهی این بافته‌ها، آن‌ها را از محصولات اقوام همسایه قابل تشخیص می‌نماید»(تناولی،۱۳۸۲: ۶۵). ویژگی رنگ‌آمیزی قشقایی «منحصر به فراوانی و طراوت رنگ‌ها نیست و در ریزه‌کاری‌های رنگ افشانی نیز هست. تفاوت بارز قالی قشقایی و پُررنگ‌ترین دست‌بافته‌های ایلیاتی و روستایی، از سایر نقاط فارس گرفته تا بختیاری و ترکمن و قفقاز، در رنگ‌آمیزی "مینیاتوری" قشقایی است که گاه به‌حد ذره‌بینی می‌رسد. از دیگر ویژگی‌های بارز رنگ‌های سنتی و گیاهی دست‌بافته‌های قشقایی، تناسب رنگ‌ها با فضای زندگی ایل قشقایی و خودنمایی رنگ‌ها در نور آفتاب است. چرا که فرش جنوب برای فضاهای باز وروشن بافته‌شده و آفتاب جنوب می‌خواهد تا همه جلوه‌هایش آشکارشود»(پیشین).

چیدمان رنگ‌ها در کنار یکدیگر، هم‌نشینی بی‌بدیل رنگ‌هایی که از حیات پیرامون عشایر، ذوق و احساس و میثاق‌های قومی، مایه می‌گیرد را به‌دنبال دارد. هم‌نشینی رنگ‌ها یکی از مؤلفه‌های ارزشمند دیداری در دست‌بافته‌های قشقایی است که آن‌را مقبول طبع و نظر مخاطبان و مشتریان عام و خاص کرده‌است. این هم‌نشینی از یک احساس

دیداری و حساسیت تجسمی بسیارقوی نشأت می‌گیرد که کاملاً درونی و مختص به خود بوده و در چهارچوب بنیان‌ها و قاعده‌ها هنری نمی‌گنجد. از این‌رو هرگونه تلاش در جهت هم‌سو کردن تفاسیر و تعابیری که در مکاتب هنری علمی و دانشگاهی در حوزه‌ی رنگ وجود دارد با رنگ‌بندی، رنگ‌آمیزی و چیدمان رنگی در دست‌بافته‌های عشایری و خاصه قشقایی، نگاهی سطحی و نادیده‌گرفتن ویژگی‌ها و مؤلفه‌های معتبر و مؤثر در نظام هم‌نشینی رنگ‌ها در دست‌بافته‌ها است. ازاین رهگذر و باتوجه به میراث و داشته‌های فرهنگی قومی و فردی بافنده و تحقیقات میدانی نگارنده‌ی سطور، این باور عمیق وجود دارد که رنگ‌بندی در دست‌بافته‌های قشقایی براساس میثاق‌های بومی، قومی و به‌طور خاص "فردی" اتفاق می‌افتد. این میثاق‌ها شامل پیوند و الهام از طبیعت، دریافت‌های محیطی و به‌ویژه عوامل فرهنگی است. این عوامل براساس جستجوها و رهیافت‌های میدانی، شامل جنبه‌های جمعی(قومی) و فردی است. «عوامل بسیاری در انتخاب و گزینش رنگ‌های قالی دخیل‌اند، عواملی هم‌چون طبیعت و شرایط‌اقلیمی، روحیات و خصلت‌های قومی، ملی و فردی نظیر ذوق و احساس و سلیقه‌ی شخصی و حس زیبایی‌شناسی»(عزیزی و هم‌کاران،۱۳۸۷: ۷۸). آداب، آئین و سنت، عقاید و باورها و آموزه‌های پیشینیان نمودی از مؤلفه‌های جمعی و قومی عشایر قشقایی است که اگرچه نسبت به جنبه‌های فردی نقشی آن‌چنان برجسته ندارند، اما به هر روی در هم‌نشینی رشته‌های رنگین و نگاشت رنگ‌ها در متن دست‌بافته‌ها و آفرینش نقش‌ها و طرح‌ها حضوری اجتناب‌ناپذیر دارند. این ادعا در خلال گفتگو و از میان گفته‌های برخی از بافندگان قشقایی و در ارتباط با کاربرد و رنگ‌بندی رنگ‌ها در دست‌بافته‌ها اثبات شد. در یکی از گفتگوهای نگارنده در فروردین ۱۳۹۴ در کانون اسکان چشمه‌رحمان و گل‌افشان(شهرستان سمیرم – جنوب اصفهان)، با بافندگان طایفه‌ی دره‌شوری(۱۵ نفر) و شش‌بلوکی(۱۵ نفر)، در ارتباط با چگونگی رنگ‌بندی در دست-بافته‌های قشقایی و عوامل مؤثر در آن سؤال شد که آیا عقاید و باورها در نظام رنگ‌بندی و یا رنگرزی نقش دارند؟ که از این تعداد، ۹ نفر از بافندگان باتجربه و مُسن‌تر از طایفه‌ی دره‌شوری تیره‌ی ایمانلو که بسیاری از باورها و سنن ایلی را از گذشتگان خویش به ارث برده و در سینه‌ی خود حفظ کرده بودند، به دو مورد از این عوامل و مؤلفه‌ها اشاره داشتند. این هنرمندان(شهربانو، بی‌بی سروناز ایمانلو، پروانه، عالم و فرخُنده‌ی ایمانی، ماه‌بانو و ایران ایمانی، بی‌بی‌جان دهقانی و کتایون ایمانی ایمانلو)، از جمله بافندگانی بودند که درباره‌ی علت کاربرد رنگ‌ها به‌ویژه رنگ "قرمز" و "سبز"، علاوه بر تأکید و تمرکز بر احساس‌های درونی، ذوق و سلیقه‌ی فردی، اشاره به عقیده و باورهای مثبت گذشتگان خویش مبنی بر "خوش‌یُمنی"، "سعادت"، "خیر" و "موفقیت" این رنگ نسبت به دیگر رنگ‌ها، در زندگی داشتند و معتقد بودند که حضور این رنگ در دست‌بافته‌های خویش علاوه بر رضایت فردی و پاسخ به احساس درونی، مُهر تأییدی بر باورها و آموزه‌های پیشینیان بوده و اطمینان از این‌که نتیجه‌ی این باورها به‌شکل موفقیت‌آمیزی در زندگی ساری و جاری است. ضمن این‌که بافندگان قشقایی بر طبق عرف و آیین و باتوجه به پیشینه و بینشی که نسبت به رنگ سیاه وجود دارد از این رنگ استفاده نمی‌کنند و یا به ندرت و در مواقعی که بافنده فردی از افراد

خانواده، تیره یا طایفه‌ی خود را از دست می‌دهد چند گره سیاه و یا قسمت‌هایی از بافته را از رنگ سیاه استفاده می‌کند.

ضمن این‌که ۳ نفر نیز به عدم استفاده از رنگ "زرد" در دست‌بافته‌های خویش اشاره داشتند چرا که معتقد بودند رنگ زرد، رنگ نامبارکی است. هم‌چنین ۵ نفر (گُلی، ایران، زینب، پروین و گُلناز رحیمی) از بافندگان باتجربه و نسبتاً کهن‌سال تیره‌ی رحیم‌لو و طایفه‌ی شش‌بلوکی در گل‌افشان معتقد بودند که در هنگام رنگرزی پشم‌ها، اگر زن یا زنان همسایه مقداری پشم جهت رنگرزی در دیگ یا خمره‌ی رنگرزی می‌ریخت، حتماً ضرر و زیان و آسیب گریبان‌گیر خانواده‌ای می‌شد که در حال رنگرزی پشم بودند، لذا هر بافنده‌ای به‌طور مجزا و برای خویش رنگرزی می‌نمود. هم‌چنین تمام بافندگان(۱۵ نفر) به شادی و خوش‌یُمنی رنگ قرمز در زندگی و به‌کارگیری آن در دست‌بافته‌های خویش تأکید داشتند. این موارد اگرچه محدود بودند، اما مصداق‌هایی هستند از تأثیر و نفوذ "باورها" در رنگ‌بندی، انتخاب و چینش رنگ‌ها به هنگام بافتن یک دست‌بافته توسط زن عشایری.

طبیعت نیز به‌عنوان محمل و همراهی دیرینه در زندگی عشایر، همواره منبعی مهم در رنگرزی(فن‌شناسی) و یکی از الگوهای الهامی در رنگ‌بندی و نقش‌پردازی است. در رنگ‌بندی دست‌بافته‌های قشقایی همواره هم‌زیستی مسالمت‌آمیزی بین طبیعت و بافنده مشاهده می‌شود. عشایر با عنایت به آیین و آموزه‌های پیشینیان خود که ریشه در تعالیم باستانی و دینی داشته، طبیعت و مظاهر آن‌را مقدس شمرده و احترام و پاک نگاه‌داشتن آن‌را وظیفه‌ای دینی و مهم می‌شمردند، بنابراین بازتاب طبیعت، ابعاد و اشکالِ عناصر آن در دست‌بافته‌های عشایری هم گویای دلبستگی بافنده به احساسات و عواطف درونی خویش است و هم توجه و احترام به طبیعت و جایگاه معنوی آن. در واقع رابطه‌ی بافنده‌ی عشایری(قشقایی) با طبیعت و مظاهر آن(موجودات، گیاهان، کوه‌ها، رودها) و بازتاب این مظاهر در آفرینش‌های خویش، یک رابطه معنوی همراه با احترام و قائل‌بودن شعور برای طبیعت است و این‌که آن‌را پوچ قلمداد نمی‌کند. بافنده‌ی قشقایی آب، آتش، گیاهان و کائنات طبیعت را مقدس و احترام به‌آن‌ها و محافظت از آن‌ها را نوعی وظیفه‌ی اجتماعی و پاسداری از آیین و آداب خویش می‌پندارد. بنابراین نه‌تنها در زندگی شخصی خویش سعی می‌کند که کوچ‌ترین آسیبی به طبیعت و عناصر آن وارد نکند بلکه حتا برای احترام و بازگوکردن احساس تعلق خاطر به طبیعت، این پدیده و عناصر موجود درآن‌را به‌نسبت تعلق، ذوق و احساس خویش، در متن دست‌بافته‌ها بازتاب می‌دهد.

بافنده قشقایی در رنگ‌بندی و هم‌نشینی رنگ‌ها، طبیعت و عناصر آن‌را الهام و الگوی خود قرار می‌دهد. با الگوپذیری از رنگ‌ها و رنگ‌بندی‌های طبیعت به چینش رنگ‌ها در متن دست‌بافته‌ی خویش می‌پردازد. رنگ‌هایی که برداشت و تقلیدی از مظاهر طبیعت است. این روند و الگوپذیری آگاهانه، بیش‌تر از سوی بافندگان جوان قشقایی و به اصطلاح مکتب‌رفته رعایت می‌شود. به‌گونه‌ای که آگاهانه و به تأسی از طبیعت، ممکن است در فضای زمینه دست‌بافته، دریا آبی، حیوانی هم‌چون شیر یا شُتر، رنگ زرد، زرد خرمایی و یا نارنجی داشته باشند، یا سیاه‌چادر، محیط جنگل،

درختان و گیاهان سبزگونه و گل‌ها رنگ‌هایی از واقعیت به‌خود بگیرند. برای مثال در دو گبه که توسط دو بافنده قشقایی بافته‌شده‌است این فرآیند به‌نحوی رعایت شده‌است. در شکل ۱ که توسط بافنده جوان و تحصیل کرده، فرناز ایمانی از تیره‌ی ایمانلو و طایفه‌ی دره‌شوری بافته‌شده‌است، بافنده محیط و طبیعت زندگی و هم‌چنین رودخانه و یا چشمه‌ی پیرامون زندگی خویش را به رنگ سبز و آبی بافته و نشان داده‌است.

در رنگ‌بندی این دست‌بافته، به‌جز درخت نخل که به رنگ زرد نشان داده‌است و در واقع یک استثناء است، باقی نقش‌مایه‌های بافته شده نظیر کوه‌ها، سیاه‌چادر، پرندگان و حیوانات و زمین، هم بازتاب عناصر طبیعت است و هم به تبعیت از نظام طبیعت رنگ‌بندی شده‌است. در گبه‌ی دیگری (شکل‌شماره۲) نیز که توسط سارا رحیمی از تیره‌ی رحیم‌لو طایفه‌ی شش‌بلوکی در گل‌افشان بافته‌شده‌است، نقش‌مایه‌ی شیر و خورشید طبق نظام قرارداد طبیعت، به رنگ زرد نشان داده‌شده‌است و خوشه‌های گندم نیز به رنگ پرچم درآمده‌است. درصورتی که به‌کارگیری و رعایت این روند یعنی رنگ‌بندی هوش‌مندانه(تبعیت از رنگ‌های پدیده‌های طبیعت) که توسط بافندگان جوان و تحصیل کرده کماکان رعایت می‌شود، ازسوی بافندگان مکتب‌نرفته و مُسن الزام‌آور نبوده و خود را پایبند به تقلید و تبعیت ازآن نکرده و رنگ‌بندی بر اساس ذوق و احساس و سلیقه و تخیل صورت می‌پذیرد نه براساس قواعد طبیعت. نقش‌مایه‌ی شیر در گذشته، در دست‌بافته‌ها به‌ویژه پُرزدارها و خاصه گبه‌های موسوم به شیری، نه‌تنها به رنگ زرد نیست بلکه رنگ این حیوان قرمز و از طیف قرمز بوده‌است چرا که بافنده نه براساس رنگ حیوان در طبیعت بلکه براساس ذوق و احساس و تخیل و تمایل خویش، شیر زرد طبیعت را رنگ‌آمیزی و به رنگ دلخواه خود یعنی قرمز یا دیگر رنگ‌ها در می‌آورد(شکل شماره۳). هم‌چنین در شکل شماره ۴، بافنده نقش‌مایه‌ی شُتر را به رنگ قهوه‌ای و گوسفند را به رنگ قرمز بافته‌است. این رویه در نظام رنگ‌بندی دست‌بافته‌های قشقایی و در بین اکثر بافندگان عشایری و خاصه قشقایی، یک رویه‌ی رایج است. در واقع بافندگان با سابقه و مُسن‌تر در قید و بند رعایت الگوها و برداشت‌های عینی نیستند.

به‌هر روی این نگاه یعنی رعایت و تبعیت از نظام رنگ‌بندی طبیعت و عوامل فرهنگی و بازتاب آن‌ها در متن دست-بافته) بیش‌تر تابع و تحت‌الشعاع جنبه‌ها و مؤلفه‌های فردی و شخصی بافنده است تا جنبه‌های جمعی و قومی و حتا طبیعت. به‌طوری که بخش اعظمی از نظام رنگ‌بندی و گزینش رنگ‌ها در کنار یکدیگر از جنبه‌های فردی(احساس، ذوق و سلیقه، قوّه‌ی تخیل و تعقل، آمال، ابتکارات فردی و تمنیّات روحی و درونی) بافنده سرچشمه و الگو می‌پذیرد و این اظهارنظر یعنی "دخیل بودن جنبه‌های فردی در رنگ‌بندی و هم‌نشینی رنگ‌ها"، گستره‌ی وسیعی را در بین تمامی بافندگان و به‌ویژه ۳۰ بافنده‌ای که در گفتگو شرکت کردند، به خود اختصاص می‌دهد. تفاوت در نگرش، خوانش شخصی و جنبه‌های فردی در رنگ‌بندی و گزینش رنگ‌ها برای آفرینش نقش‌ها و طرح‌ها که برآمده از نیت، ذهن و تخیل بافنده است، یکی از برجسته‌ترین ویژگی‌های ارزش‌های زیبایی‌شناختی رنگ، طرح و نقش در دست-بافته‌های عشایری خاصه قشقایی است. هر بافنده، تیره و طایفه در قشقایی، قراعتی منحصر به خویش از انتخاب و هم‌نشینی رنگ‌ها(رنگ‌بندی) و نقش‌پردازی در بافته‌ی خویش دارد، ضمن این‌که در فرآیند آفرینشِ عناصر و ارزش-

های زیبایی‌شناختی، جنبه‌ها و مفاهیم مشترک به‌ویژه در ساختار بافت، آیین و ارزش‌های قومی و بومی، حضوری برجسته دارد. بنابر آن‌چه که از این گفتگوها و پاسخ و پرسش‌ها به‌دست آمد، تأکید بر جنبه‌های فردی خاصه ذوق و احساس و برجسته بودن این مؤلفه نشان داد که بافنده‌ی عشایری هیچ‌گاه آگاهانه و به قصد غرض قبلی و جلب رضایت دیگران انجام نگرفته و صرفاً پاسخ به ندای درونی و ذوق و احساس خویش رنگ‌ها را گزینش و برای آفرینش نقش‌ها به‌کار می‌گیرد و لذا داوری و اظهارنظر مخاطب در ارتباط با نظام رنگ‌بندی دست‌بافته‌های عشایر قشقایی، نیز ذوقی، درونی و شخصی خواهدبود.

بنابراین در پایان ذکر این نکته ضروری است که زیبایی‌شناسی رنگ دست‌بافته‌های عشایری که دراین‌جا ازآن به "رنگ‌بندی" یاد شد، بر طبق تحقیقات و گفتگوهای میدانی با بافندگان که در بالا اشاره شد و نیز بررسی نمونه‌هایی متنوع از دست‌بافته‌های مختلف قشقایی در زمینه‌ی رنگ‌بندی، این ادعا مبنی براین‌که بافندگان عشایری در رنگ-بندی و چیدمان رنگی دست‌بافته‌ها از جنبه‌های جمعی(قومی) و شخصی[درونی](نمودار ۲) تبعیت می‌کنند و تابع قواعد و نظام‌های علمی و رایج نیست، را به اثبات رساند.

شکل ۱ : گبه با نقش فضای زندگی عشایر[منظره‌بافی](منبع : نگارندگان)

شکل ۲ : نقش‌مایه‌ی شیروخورشید در گبه (منبع : نگارندگان)

شکل ۴ : رنگ‌بندی فضای محیط عشایری در دست-بافته‌ها(منبع : نگارندگان)

شکل ۳ : نقش‌مایه شیر به رنگ قرمز در زمینه گبه به رنگ آبی(منبع : پژوهش-

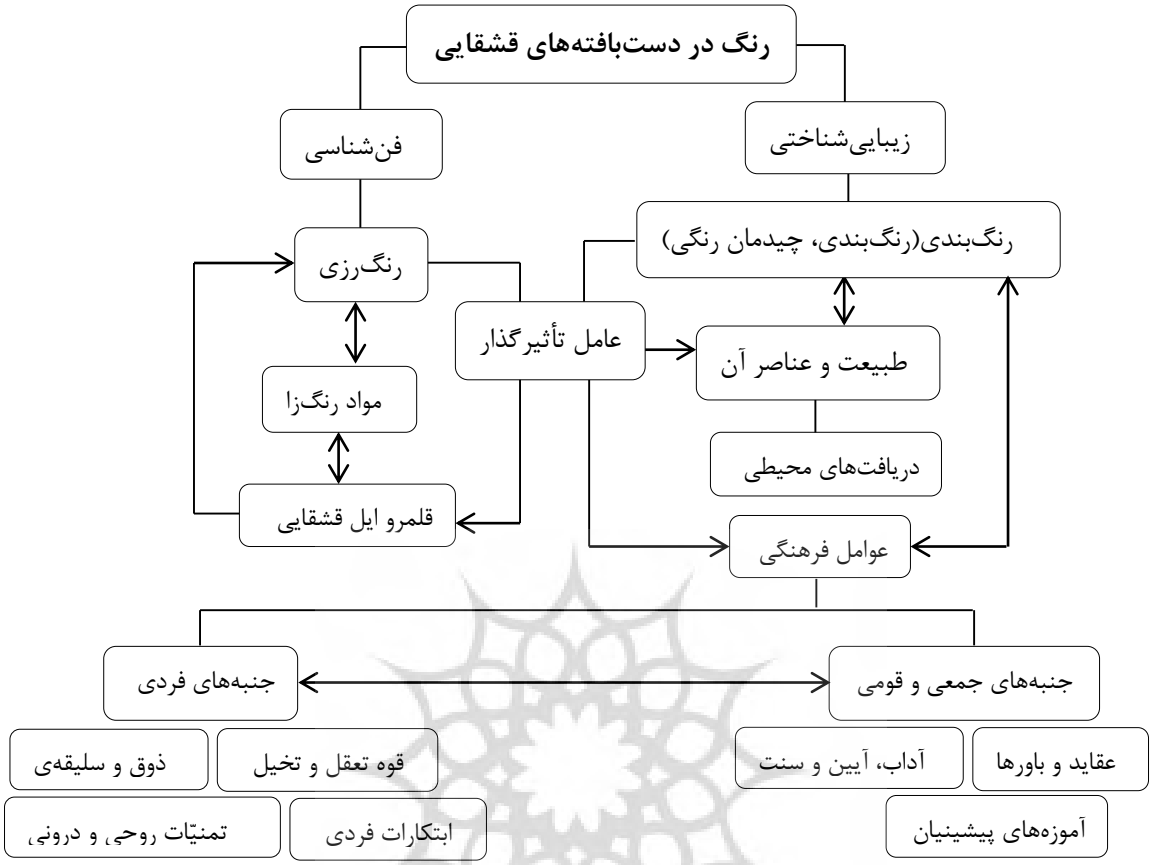

نمودار ۲ : رنگ از منظر زیبایی‌شناختی و فن‌شناسی(منبع : نگارندگان)

رنگرزی در عشایر قشقایی و مؤلفه‌های مؤثر درآن(جنبه فن‌شناختی)

پدیده‌ی رنگرزی که در بُعد فن‌شناسی تحلیل و بررسی می‌شود، مهم‌ترین مؤلفه‌ی مؤثر در کیفیت تولید، عرضه و استقبال از فرش و دیگر دست‌بافته‌ها به‌ویژه بافته‌های عشایری است. کیفیت رنگ‌های نشسته بر دست‌بافته‌های عشایری، بدون تردید به چگونگی و کیفیت رنگ‌رزی نخ‌ها یا رشته‌های درهم تنیده برمی‌گردد. بخش رنگ-بندی(زیبایی‌شناسی‌رنگ)، در امتداد پدیده‌ی رنگرزی (فن‌شناسی‌رنگ)، معنا و مفهوم پیدا می‌کند. رنگ‌رزی در عشایر در گذشته و تا حدودی در حال حاضر، به‌صورت سنتی و طبیعی انجام می‌شود. در رنگرزی عشایر باید چند مؤلفه را درنظر داشت. مواد مورداستفاده در رنگرزی یعنی منابع طبیعی و گیاهی و نیز موادی که در ساختار گیاهان تأثیرگذارند و دیگری قلمرو زندگی عشایر که گیاهان و مواد طبیعی یادشده درآن وجود دارد(نمودار شماره۱). «نتیجه سعی درتهیه رنگ از مواد طبیعی هرگز قابل پیش‌بینی نیست، زیرا اختلاط و ترکیب اجزاء رنگ‌ساز متأثر از عوامل

ناپایداری هم‌چون نوع خاک، آب‌وهوا، موادرنگی و سایر ترکیبات است. بنابراین همیشه نتیجه مطلوب از تولید یک رنگ میسر نخواهدبود»(هال‌ودیگران،۱۳۷۷: ۳۶). بافندگان ایل قشقایی برای رنگ‌کردن رشته‌ها از رنگ‌دانه‌ها ورنگزاهای کاملاً طبیعی، نظیر ریشه‌ی روناس برای رنگ‌های صورتی، لاکی، قرمزآجری، استفاده کرده و برای کم‌رنگ یا پررنگ‌شدن رشته‌ها، مدت‌زمان نگهداری در آب و جوشیدن آن‌را تغییر می‌دهند. عشایر قشقایی«در سایه فن رنگرزی و رنگ‌آمیزی که حاصل یک قرن تجربه است، همیشه سعی دارند نیمی از زندگی را با تصاویری که غالباً قراردادی و سنتی است به بیننده انتقال دهند. آن‌ها به منظور جان و توان دادن به نقش‌ها، متوسل به رنگ‌های گوناگون و متنوع می‌شوند»(هانگلدین ،۱۳۷۵: ۲۰). هنر رنگرزی در زُمره هنرهایی است که عشایر از دیرباز به آن مشغول بوده و نیاز ایل و طوایف خویش در زمینه‌ی نیاز به رنگ طبیعی را مرتفع می‌کرده‌اند. «از روزگاران گذشته تولید مواد رنگزا و رنگرزی یکی‌از صنعت‌ها و تجارت‌های مهم و از پیشه‌های با رونق فارس بوده‌است»(پرهام،۱۳۷۰: ۵۶). لسترنج به نقل از گفته‌های بسیاری از جغرافی‌دان‌ها و جغرافی‌نویسان مسلمانِ سده‌های نخستین این‌چنین نقل می‌کند : «...رنگ‌های مختلفی در فارس می‌آمد که رنگرزان ازآن‌ها استفاده می‌کردند و ازاین رو کار رنگرزی در فارس بسیار رونق داشت»(لسترنج،۱۳۳۷: ۳۱۶).

استان فارس، یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین سکونت‌گاه‌های ایل قشقایی، یکی از مراکزی است که رنگرزی گیاهی در آن رواج فراوان دارد لذا طراوت و شفافیت رنگ و تنوع غنای رنگ‌آمیزی فرش‌ها و سایر دست‌بافته‌های ایل قشقایی دراین استان بیش ازهر عامل دیگری در شهرت جهانی دست‌بافته‌های قشقایی مؤثر است. قشقایی‌ها «به‌دلیل توانایی و هنر والایشان در رنگرزیِ نخ‌های پشمی و کیفیت نیرومند رنگ‌آمیزی و هم‌چنین تخصص در انواع فنون‌بافت، درتولید دست‌بافته‌های متنوع با کاربردهای مختلف شهرت فراوان دارند»(دادور و دیگران ،۱۳۸۵: ۴). توانگری و تنوع رنگ و سخاوت و گشاده‌دستی در رنگ‌آمیزی چنان است که حتا خِبرگان، گاه بعضی از رنگ‌های یک قالیچه‌ی صدوپنجاه ساله قشقایی را که پیش از کشف و متداول شدن رنگ‌های شیمیایی جوهری بافته‌شده، رنگ جوهری می‌پندارند، ازاین‌رو که این همه رنگ را به راستی باور نمی‌توان کرد. تنوع رنگ‌ها در گذشته‌های بسیار دور برای عشایر به‌ویژه بافندگان ایل قشقایی بسیار محدود و مختصر بوده‌است. «کهن‌ترین فرش‌های قشقایی بیش از هشت رنگ متمایز[۶] ندارد و تنها در فرش‌هایی که اواخر قرن دوازدهم و اوایل قرن سیزدهم هجری بافته‌شده تعداد رنگ‌ها از ده رنگ تجاوز می‌کند و در اواسط قرن سیزدهم به چهارده رنگ می‌رسد. پیداست که قشقایی‌ها تا اواخر قرن دوازدهم هجری به راز پاره‌ای از رنگ‌ها، خاصه قرمزهای سُرخ‌رنگ گُلی‌فام، پی‌نبرده‌بودند»(پرهام،۱۳۷۰: ۵۶). از نیمه اول قرن سیزدهم رفته‌رفته رنگ‌های نو یافته، خاصه آن طلایی فاخر و سبزهای خرم و سُرخ‌های آتشین، در دست‌بافته‌های

[۶]. مراد از رنگ‌های متمایز آن است که در شمارش رنگ‌ها تنها رنگ‌هایی به‌حساب می‌آید که در هر مرحله از رنگرزی به‌طور مجزا درست شده‌است. بنابراین رنگ‌های ابرش که حاصل یکدست نبودن خامه‌است، در شمارش رنگ‌ها محسوب نمی‌شود.

ظریف و ریزبافت کشکولی[۷] و ایگدر[۸] و بولی‌چغال[۹] و گاه‌گاه چگنی[۱۰]، راه پیدا می‌کند. اندک‌اندک راز سر به مُهر رنگ-ها گشوده می‌شود و دامنه‌ی محدود رنگ گسترده می‌گردد تا آن‌جا که ازاواسط قرن سیزدهم بیش‌تر تیره‌های بافنده قشقایی به انواع رنگ‌ها دسترسی می‌یابند. هرچند سال‌هاست که ایل قشقایی نظم و نسق قدیم خود را از دست داده-است و دیگر از آن همه پشم براق و ابریشمین گوسفندان ایل که با گیاهان دامنه‌های زاگرس رنگ‌آمیزی می‌شدند خبری نیست، ولی هنوز گروهی از بانوان ایل قشقایی که در کانون‌های اسکان در نزدیکی شهرها و روستاهای استان فارس و بویژه اصفهان(مناطقی همچون شهرضا، دهاقان، سمیرم و توابع آن‌ها) به یکجانشینی روی آورده‌اند، به سفارش بازار و سرمایه‌داران و سرمایه‌گذران به تولید قالی، قالیچه، گبه و سایر دست‌بافته‌های عشایری با انواع رنگ-های گیاهی و یا رنگ‌های جوهری با ثبات بالا می‌پردازند.

در گذشته بیش‌تر رنگ‌های به‌کار رفته در دست‌بافته‌های قشقایی توسط خود عشایر و از منابع گیاهیِ دشت‌ها و دامنه‌های طبیعتی تهیه می‌شد که در قلمرو و جغرافیای زندگی ایل قشقایی را تشکیل می‌داد. این رنگ‌ها به‌لحاظ تنوع، محدود و انگشت‌شمار بودند. مهم‌ترین رنگ‌هایی که بافندگان قشقایی در دست‌بافته‌های خویش به‌کار می‌برند، عبارت بودند از : «انواع لاکی و صورتی و سُرخابی و ارغوانی، دوغی و طلایی، آبی، سُرمه‌ای و انواع سبز و زرد، قهوه‌ای و سفید»(ژوله، ۱۳۹۰: ۲۰۶). اما به‌مرور زمان و با آگاهی تدریجی عشایر از نحوه‌ی ترکیب انواع رنگزاها تعداد و تنوع رنگ‌ها رو به افزایش نهاد به‌گونه‌ای که با اسکان و یکجانشینی عشایر و آمد و شد به شهرها، عشایر توانستند با خرید رنگ‌های طبیعی و گیاهی آماده از بازارهای قلمرو ییلاقی و قشلاقی خود نظیر استان فارس، اصفهان (شهرضا و سمیرم)، چهارمحال و بختیاری(بروجن) از محدودیت رنگی عبور کرده و طیف‌های بیش‌تری را در دست‌بافته‌های خود به‌کار گیرند.

رنگزاهای طبیعی مورد استفاده دست‌بافته‌های عشایر قشقایی

در گذشته و حتا امروزه که فرآیند رنگرزی سنتی رو به زوال است، رنگرزان از برخی از رنگزاهای طبیعی و بومی ایران استفاده می‌کردند. البته باید اشاره‌کرد که رنگزاهای طبیعی که به‌طور عمده گیاهی می‌باشند، محدود بوده‌اند. «شگفت آن‌که محدودیت رنگ‌های فرش که با استفاده از تجربه، مهارت و ذهنیت رنگرز هنرمند ایرانی تبدیل به آثاری جاودانی و تأثیرگذار شده‌است، به محدودیت همان رنگ‌هایی است که درآن شاهکارهای هنری به‌کار گرفته شده-

[۷]. مهم‌ترین طایفه فرش‌باف ایل قشقایی.

[۸]. یکی از تیره‌های طایفه عمله در ایل قشقایی که قالی‌های ممتازی را تولید می‌کردند

[۹]. یکی از تیره‌های طایفه کشکولی است که در گذشته ممتازترین قالی‌های کشکولی و قشقایی را می‌بافتند.

[۱۰]. از تیره‌های طایفه عمله در ایل قشقایی که قالی‌های ممتازی را تولید می‌کردند.

است»(صوراسرافیل،۱۳۷۸: ۶) و این محدودیت در دست‌بافته‌های عشایری از چند رنگ درگذشته و قبل از ورود رنگ-های شیمیایی تجاوز نمی‌کند.

سیروس پرهام در زمینه‌ی تنوع کاربرد رنگزاهای طبیعی در دست‌بافته‌های عشایری به‌ویژه قشقایی معتقد است : « کهن‌ترین فرش‌های قشقایی بیش‌از هشت رنگ متمایز ندارد و تنها در فرش‌هایی که دراواخر قرن دوازدهم و اوایل قرن سیزدهم هجری بافته‌شده، تعداد رنگ‌ها از ده رنگ تجاوز می‌کند و در اواسط قرن سیزدهم به چهارده رنگ می-رسد. پیداست که قشقایی‌ها تا اواخر قرن دوازدهم هجری به راز پاره‌ای از رنگ‌ها، خاصه قرمزهای سرخ‌رنگ گلی‌فام، پی نبرده‌بودند. تقریباً از اواسط قرن سیزدهم قشقایی‌ها به‌انواع رنگ‌ها دسترسی پیدا می‌کنند تا حدی که در برخی از فرش‌ها بیست رنگ متمایز استفاده می‌شد. در هر حال در هیچ فرش قدیمی مشرق‌زمین بیش‌از بیست‌وپنج رنگ متمایز دیده‌نشده‌است»(پرهام، ۱۳۷۰: ۹۲). رنگزاهای طبیعی به‌ویژه گیاهی عبارتند از: روناس، جاشیر(کما یا شوید و مشی)، اسپرک، نیل، گل بابونه، برگ‌انگور عسگری، چغندر، پوست پیاز، سرخس‌عقابی، برگ درخت‌توت، وسمه، گل-رنگ، گل‌جعفری، برگ‌انجیر، گندل، غوزپنبه، خون‌سیاوش، پوست‌انار، پوست‌بلوط، پوست‌گردو، هلیله، سماق، خِوِشک(مردار آغاجی یا توربیت)، بنه(پسته وحشی)، گزنه، گنیما، شوید(پلم)، لرگ، زعفران، تیره‌سرخاب و هون از گیاهانی هستند که در گذشته از آن‌ها در رنگرزی استفاده می‌شده است.

چرخه‌ی(دایره) رنگ/ رنگ‌های اصلی و فرعی در دست‌بافته‌های عشایر قشقایی

رنگ‌ها و انواع طیف‌های آن در این بخش برای نخستین بار به نگارش و مستندنگاری در می‌آید. در رنگرزی دست-بافته‌های قشقایی، رنگ خود دارای مبانی و اصول خاص و منحصر به‌فرد است. رنگ‌ها در دست‌بافته‌های عشایر قشقایی هم‌چون رنگ در دیگر هنرها و آثار هنری، به دو گونه رنگ‌های "اصلی" که خود به دو دسته ثابت یعنی خودرنگ و متغیر یعنی رنگ‌هایی که در ترکیبات و ساخت رنگ‌ها و شیدهای دیگر شرکت دارند و رنگ‌های "فرعی" یا میانه یا مکمل، تقسیم می‌شوند. رنگ‌های اصلی ثابت، رنگ‌هایی هستند که منابع آن در طبیعت به‌صورت خالص وجود داشته و مستقیم به‌دست می‌آید. درواقع پشم‌هایی که خود پشم به‌طور طبیعی دارای این نوع از رنگ می-باشد(پشم‌های خودرنگ)، رنگ‌ها یا پشم‌های سیاه، سفید، شیری یا کِرِم، قهوه‌ای(تیره و روشن) و خاکستری رنگ‌های اصلی ثابت می‌باشند(نمودار ۳). هم‌چنین رنگ‌های اصلی متغیر که منبع ثابت داشته اما در تولید رنگ‌ها یا شیدهای رنگی مختلف به‌کار می‌روند.

از رنگ‌های اصلی متغیر می‌توان به رنگ‌هایی نظیر زرد(منبع:جاشیر، اسپرک، پوست‌انار، گندل)، قرمز(منبع:روناس)، آبی(منبع:گیاه‌نیل)، قهوه‌ای(منبع:پوست‌گردو، جفت [پوست دانه‌ی‌بلوط])، اشاره کرد (نمودار ۳). البته رنگ آبی که از گیاه نیل به‌دست می‌آید هم از گیاه نیل به‌دست می‌آید و هم به‌صورت شیمیایی تولید می‌شود. رنگ‌های فرعی یا ترکیبی یا میانی نیز به‌صورت ترکیبی تولید می‌شوند. یعنی از ترکیب رنگ‌ها و منابع رنگ‌های اصلی با یکدیگر به-

دست می‌آید که عبارتند از : رنگ سبز که از ترکیب منابع رنگ زرد و نیل، رنگ بنفش کـه از ترکیـب روناس و نیـل، رنگ نارنجی که از ترکیب منابع رنگ زرد و روناس، رنگ قهوه‌ای تیره که از ترکیب پوست‌گردو و نیل، رنـگ سُـرمه‌ای که از ترکیب پشم سیاه و نیل، رنگ آبی تیره که از ترکیب پشم‌قهوه‌ای و نیل، طیف‌های خانواده‌ی قهوه‌ای‌هـای قرمـز که از ترکیب روناس، پشم‌سیاه و قهوه‌ای به‌دست می‌آید.(نمودار ۴). درواقع زیبایی‌شناسی و بخـش تجسـمی رنـگ در دست‌بافته‌های قشقایی، خود به‌طور مجزا از یک مبانی و چرخه‌ی(دایره) رنگ، خاص جهانِ دست‌بافتـه‌هـای عشـایری برخوردار است. به‌طورکلی طبقه‌بندی رنگ‌های طبیعی(اصلی و فرعی) در نمودار ۵ نشان داده شده‌است.

ترکیبات و نحوه تولید رنگ‌ها و طیف‌های مختلف آن

رنگ‌های به‌کاررفته در دست‌بافته‌های قشقایی حاصل ترکیباتی است که در چرخه‌ی رنـگ عشـایری(رنگ‌هـای اصـلی ثابت و متغیر و رنگ‌های فرعی) قراردارند. ترکیبات رنگی به‌جز چند مـورد اسـتثناء کـه از جـوهر در کنـار رنـگ‌هـای گیاهی استفاده می‌شود، همگی محلول‌ها و ترکیبات گیاهی است. ترکیبات رنگی به‌کار رفته و تولید انـواع طیـف‌هـای رنگی که در عشایر قشقایی تولید می‌شود، در جدول ۱ به‌تفصیل آمده‌است. ایـن دسـت‌آورد میـدانی حاصـل گفتگـوی میدانی با آقای عنایت‌الله شجاعی رنگرز و تولیدکننده دست‌بافته‌های قشقایی در شهرسمیرم و آقـای گـودرز هوشـمند رنگرز برجسته‌ی ایل قشقایی در شهر بروجن است. در ارتباط با این ترکیبات و مواد و منابع به‌کار رفته در آن‌هـا ذکـر چند نکته ضروری می‌نماید.

در این ترکیبات، "موردارآغاجی[11]" یکی از گیاهان بومی قلمرو قشقایی به‌طور ویژه منطقـه‌ی فـارس اسـت کـه تلفـظ فارسی آن "خِوِشَک[12]" است و در تولید رنگ زرد به‌کار می‌رود. گیاه جاشیر نیز که از منابع تولیـد رنـگ زرد اسـت، از گیاهان بومی منطقه‌ی فارس است. نیل به‌عنوان یکی از منابع تولید رنگ سُرمه‌ای، آبی و طیف‌های مختلف آن گیـاهی غیربومی است که به‌صورت صنعتی نیز تولید می‌شود. ماده‌ی ضدنیل همان هیدروسولفات است که در رنگـرزی عشـایر قشقایی رایج و مشهور است و برای کاستن از غلظت رنگ نیل به‌کار می‌رود. مقدار زاج‌سفید نیز کـه بـه‌عنـوان تثبـت-کننده در رنگرزی به‌کار می‌رود، تأثیر به‌سزایی در دوام و عمر دست‌بافته دارد. هرچقدر مقدار این ماده بـیش‌تـر باشـد، طول عمر دست‌بافته کاهش می‌یابد و بالعکس. البته بهتر از زاج‌سفید به‌عنوان تثبت‌کننـده، لیموخشـک اسـت کـه در واقع هم طبیعی است و طبعاً نسبت به زاج‌سفید که ماده‌ای است شـیمیایی مضـرات کـم‌تـری دارد. بـه‌گفتـه‌ی آقـای هوشمند به‌عنوان یکی از برجسته‌ترین رنگرزان ایل‌قشقایی، رنگ‌های اصلی کـه در میـان ایـل و طوایـف ایـل‌قشـقایی استفاده می‌شود عبارت‌اند از : قرمز، آبی، سُرمه‌ای، سبز، زرد، قهوه‌ای و سفید. نکته‌ای که در ارتباط با انواع طیـف‌هـای رنگ‌های اصلی در دست‌بافته‌های قشقایی حائز اهمیت است این است که با کـم و زیـاد کـردن مـواد بـه‌کـار رفتـه در

11. Mourdaraghaji.
12. Kheveshak.

ترکیب رنگ‌ها می‌توان انواع طیف‌های متنوع را از هر رنگ به‌دست آورد. هر چقدر غلظت مواد بیش‌تر باشد، رنگ‌ها تیره‌تر یا سیرتر و بالعکس. بطور مثال در رنگرزیِ رنگ قهوه‌ای با پوست گردو، نسبت به مقدار پوست گرو و کم و زیاد شدن آن، رنگ قهوه‌ای تیره‌تر یا روشن‌تر خواهد بود.

به‌گفته‌ی آقای هوشمند، ازآن‌جایی که قشقایی‌ها رنگ‌پسند هستند و سعی می‌کنند در محیط زندگی خویش رنگ-های متنوع، شاد و سرزنده استفاده نمایند، لذا بعد از جنگ جهانی دوم که رنگ‌های شیمیائی یا جوهری به دست-بافته‌های قشقایی سرازیر شدند، بافندگان بسیاری سعی کردند برای شادکردن فضا و متن دست‌بافته‌های خویش رنگ‌هایی که زیاد مورد استفاده نبود را با استفاده از جوهر این نوع از رنگ‌ها که از کشور آلمان وارد می‌شد، رنگین کنند. نمونه‌ی این رنگ‌ها که با جوهر به‌دست می‌آمد نارنجی، بنفش و صورتی بود، که البته این رنگ‌ها از آن‌جایی که هم جوهری بودند و هم مورد پسند جوامع اروپائی و آمریکائی نبود، لطمه‌ی زیادی بر صادرات و اقتصاد فرش قشقایی وارد آورد.

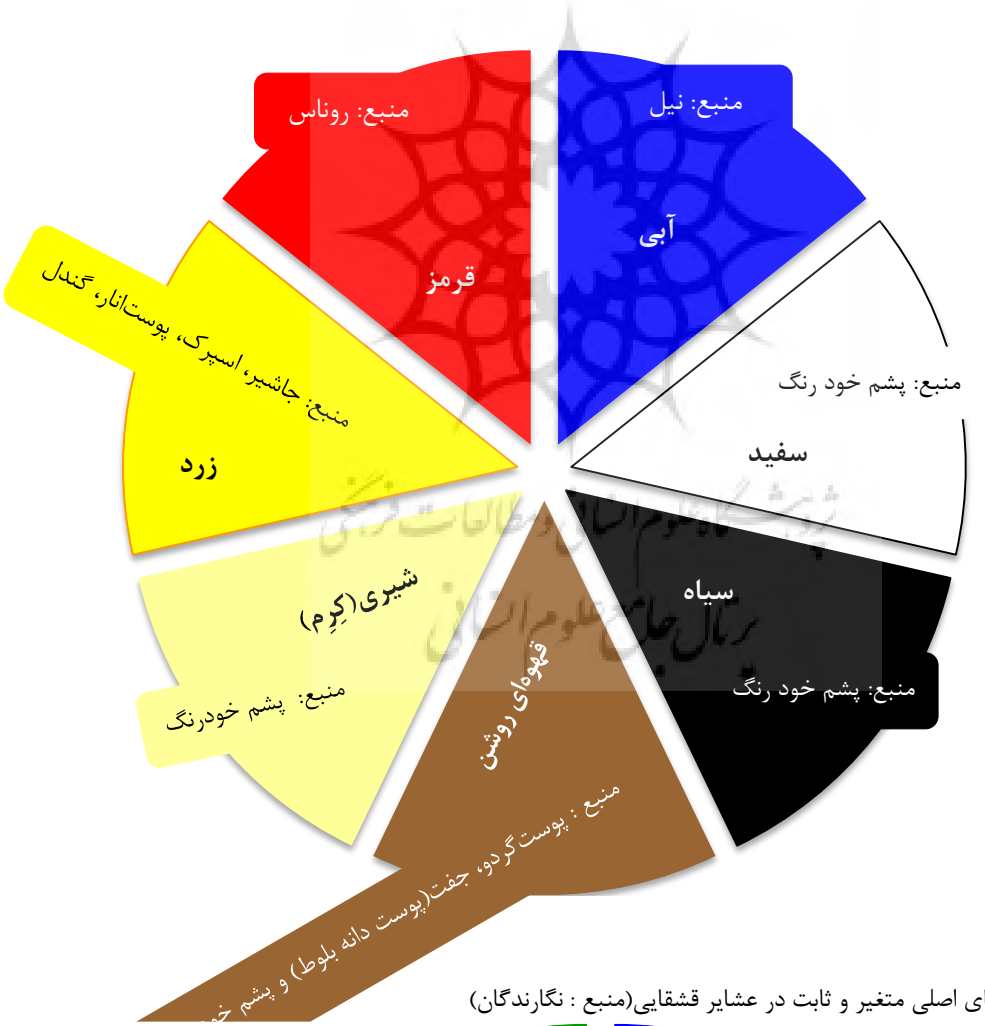

نمودار ۳ : چرخه(دایره) رنگ‌های اصلی متغیر و ثابت در عشایر قشقایی(منبع : نگارندگان)

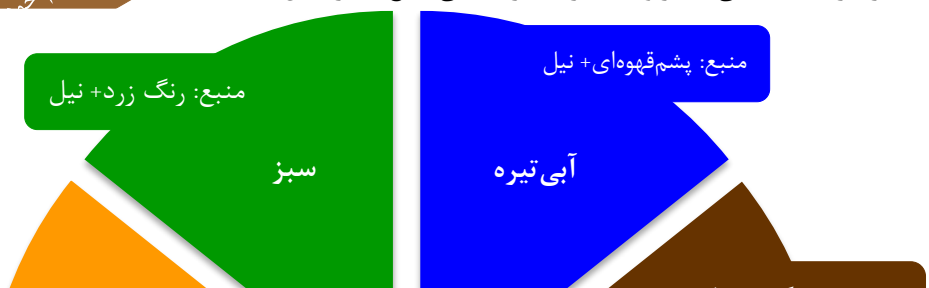

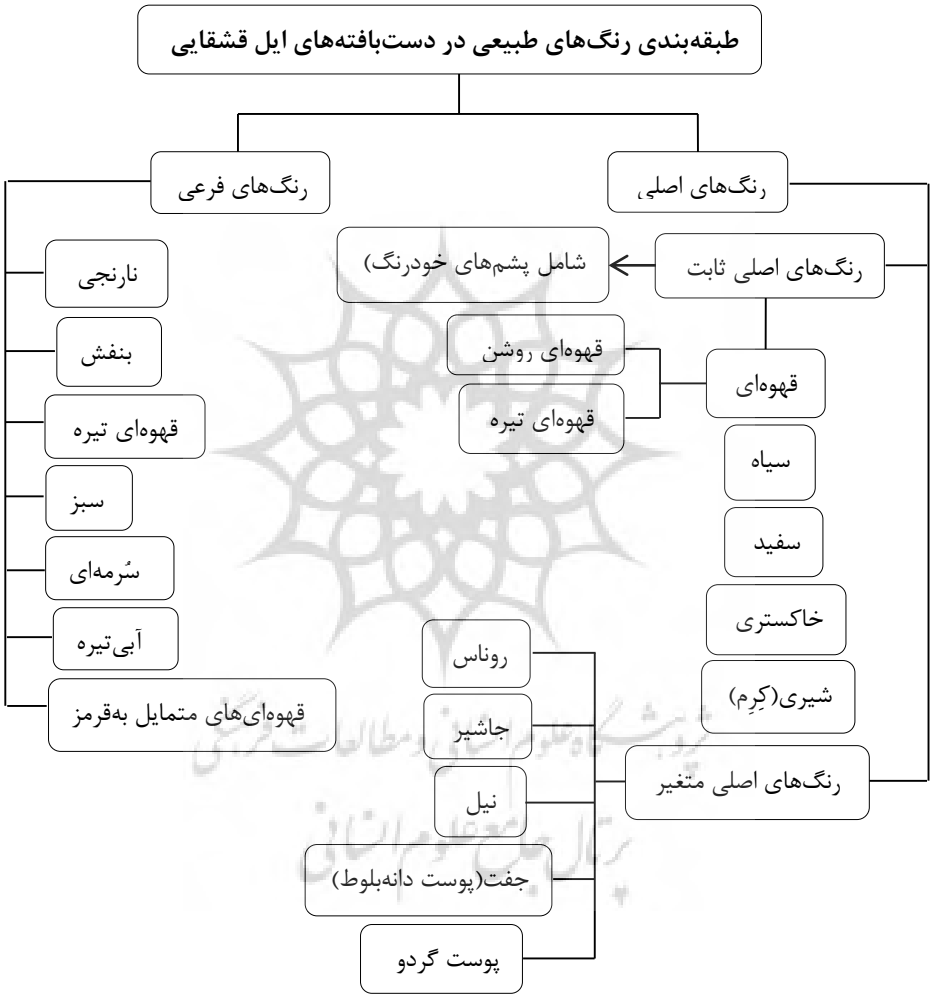

نمودار ۵ : رنگ‌های اصلی و فرعی(ترکیبی) در رنگرزی ایل قشقایی(منبع : نگارندگان)

جدول ۱ : نحوه ساخت رنگ‌های به‌کار رفته در دست‌بافته‌های قشقایی(منبع : پژوهش‌گران)

خانواده رنگی	نوع رنگ	ترکیبات	خانواده رنگی	نوع رنگ	ترکیبات
	سبز	موردارآغاجی + زردکاهی یا زرد کم-رنگ (پشم‌سفید+کاه)		قرمز روشن(لاکی مَلّه)	روناس + پشم سفید
	سبز پَرطاووسی	موردارآغاجی+ زردتند(زرد زردچوبه-ای) + نیل(مقدارکم)		قرمز تیره	روناس + پوست گردو
	سبز پوست هندوانه‌ای	موردارآغاجی(خِوِشَک) + زرد تند(زرد زردچوبه‌ای)		قرمزارغوانی	روناس + گل‌محمدی(برگ گل بو)
سبز	سبز انگوری	جاشیر + موردارآغاجی	**قرمز**	قرمز عنابی	روناس (مقدارکم) + پوست‌گردو (مقدارزیاد)
	سبزیشمی تیره(سبز کیکوم)	پوست‌گردو+برگ مو(برگ درخت انگور)		قرمز شرابی	روناس(مقدار زیاد) + پوست گردو(مقدار کم)
				قرمز دوغی	روناس+ دوغ
	سبزچمنی	نیل + ضدنیل(هیدروسولفات) + جاشیر		آبی	نیل + ضد نیل(هیدروسولفات)
	زرد کاهی(زرد کم‌رنگ)	پشم سفید + کاه گندم یا جو	**آبی**	آبی‌تیره	پوست گردو + آبی
زرد	زرد لیموئی	جاشیرخشک‌شده + کاه گندم یا جو + پشم‌سفید		آبی‌آسمانی (روشن یا فیروزه‌ای)	نیل+ ضد نیل + زردچوبه
	زرد پُرمایه (طلائی)	موردارآغاجی + پوست گردو		نارنجی تیره(سیر)	پشم کِرِم رنگ + روناس

	زردخردلی	روناس + زردچوبه	**نارنجی**	نارنجی روشن(باز)	پشم کِرِم رنگ + روناس + زردچوبه
	قهوه‌ای سوخته	جفت + پوست گردو پشم خود رنگ	**بنفش**	پوست بادمجان + پوست پیاز نیل + روناس
قهوه‌ای	قهوه‌ای باز	روناس + پوست گردو پشم خود رنگ	**آجری**	روناس+ آفتاب‌تراش(زرد مایل‌به نارنجی— از خانواده هویج)
			سفید شیری	پشم سفید + استخوان گوسفند(به‌صورت آردشده)
سُرمه‌ای		جفت + پوست گردو + آبی		پشم‌سفید + شیر جوشانده شده(شیرترش‌شده یا بریده‌شده)
گل بِهی		روناس + دوغ(محدود)	**پوست‌پیازی (مسی)**	روناس(زیاد) + دوغ(زیاد) در مقایسه با رنگ گل‌بِهی

نتیجه‌گیری

رنگزاها و رنگینه‌های بومی و طبیعی در قلمرو ایل‌های ایرانی و خاصه قشقایی سهم به‌سزایی در کیفیت زیبایی-شناختی و فن‌شناختی دست‌بافته‌های ایشان دارند. تمرکز این مقاله بر دو مبحث رنگ‌بندی و رنگرزی در دست‌بافته-های قشقایی بود. در بخش زیبایی‌شناختی(رنگ‌بندی، هم‌نشینی رنگ‌ها یا چیدمان رنگی)، بر پایه‌ی بررسی، مطالعه و مصاحبه میدانی از جامعه‌ی انتخابی و نمونه‌ی آماری، مشخص شد که بافنده در گزینش و انتخاب رنگ‌ها همواره با عوامل مختلف نظیر عوامل محیطی هم‌چون طبیعت و عناصر آن، جغرافیائی و قلمرو ایلی و هم‌چنین عوامل فرهنگی نظیر عوامل و جنبه‌های جمعی و قومی شامل آداب، آئین و سنت، عقاید و باورها و آموزه‌های پیشینیان و نیز جنبه-های فردی نظیر ذوق، احساس و سلیقه، قوه‌ی تعقل و تخیل، ابتکارات فردی و تمنیات روحی و درونی، سر و کار دارد. هم‌چنین دربخش فن‌شناختی(رنگرزی)، از جمله دست‌آوردهای مهم آن، کشف و شناخت و معرفی مبانی رنگ در دست‌بافته‌های عشایری و به‌طور خاص ایل قشقائی می‌باشد. در این بخش چرخه‌ی رنگ مجزا و منحصربه‌فرد عشایری و قشقائی و طبقه‌بندی رنگ‌های مورد استفاده، تدوین و تنظیم شد. ضمن این‌که رنگ‌ها به دو گونه‌ی اصلیِ ثابت و متغیر و فرعی تقسیم شدند. اما مهم‌ترین دست‌آورد این پژوهش که برای نخستین بار به جامعه‌ی هنرهای بومی و قومی و خاصه هنر عشایری، معرفی شد، کشف و احیا فرمول‌ها و ترکیب‌های رنگزاها و رنگینه‌هایی است که پس از

گذشت سه دهه بی‌خبری و عدم توجه، بار دیگر مورد التفات قرارگرفت. ترکیب‌های یادشـده شـامل ۳۳ فرمـول بـرای ساخت انواع رنگ و طیف رنگی مورد استفاده در رنگرزی عشایری بوده‌است که می‌تواند با احیاء مجـدد و بـه‌کـارگیری آن‌ها در تولید انواع رنگ‌ها در دست‌بافته‌های عشایری، با کاربردی امروزی و مطابق با سلیقه و نیاز مخاطب هم از ایـن میراث گران‌قدر صیانت کرد و هم به پویایی اقتصادقومی و کارآفرینی بومی کمک شایانی شود.

در پایان مراتب تقدیر و سپاس خود را از کلیه بافندگان قشقایی و اسکان یافته در منطقه سمیرم، جنوب اصفهان و نیز از جناب آقای عنایت‌الله شجاعی و آقای گودرز هوشمند به‌خاطر همراهی در گفتگوهای میدانی، ابراز می‌دارم.

Analyzing the color woven Qashqaei

Mohammad Afrough : Assistant Professor at Arak University
Fathali GHashqaifar : coach at kashan University

Abstrac

Hand woven by nomads qashqai as symbols of indigenous and ethnic arts and enjoys both functional and aesthetic features. colors, designs and elements of art and the aesthetic dimension of hand dyed and woven by nomads and have the fan base of cognitive processes. so that each of these dimensions may be suitable and appropriate vehicle for scientific study (cognitive technologies), ethnological, artistic (aesthetic) and is Semiotic. qashqaeis colors woven in two main categories and sub-divided. while its primary colors divided into two categories: primary colors, fixed and variable pick the colors. Primary colors, secondary colors as well as a combination of fixed and other dyes produced. in this paper, the study circle, color, aesthetic aspects, including color (color layout) and cognitive techniques such as dyeing, in dstbafth of qashqaees attention. From this perspective, this study indicates for the first time in the study area have been done by nomadic weaving.this article is the purpose of this research are fundamental and that is a cross-sectional method. practices as well as the compilation of the field of library and more.

Keyword: native tribal and Applied art, qashqaie handwoven, qashqaie nomads, color, dayind.

منابع

ابراهیمی‌ناغانی، حسین،۱۳۸۹، تحلیلی بر نقش ورنگ گلیم‌های عشایر بختیاری، مجموعه مقالات نخستین همایش فرهنگ وهنر ایران(ایلات لرستان وبختیاری)، تهران، انتشارات فرهنگستان هنر

پرهام، سیروس ، ۱۳۷۱، دست‌بافته‌های عشایری و روستایی فارس ، ج اول، تهران ، انتشارات امیرکبیر

دادور،ابوالقاسم، حمید مؤمنیان،۱۳۸۵، عوامل مؤثر برشکل‌گیری و پیدایش نقوش گلیم قشقایی، دوفصل‌نامه علمی‌پژوهشی گلجام، شماره۲، شماره ۶۳-۴۷

دانشگر ، احمد، ۱۳۷۶، فرهنگ جامع فرش ، تهران ، نشر سازمان چاپ و انتشارات یادواره‌ی اسدی

دره‌شوری، پروین،۱۳۹۱، بازتاب طبیعت زاگرس درنگاره‌های قشقایی، شیراز، انتشارات ادیب‌مصطفوی

ژوله، تورج، ۱۳۹۰، پژوهشی در فرش‌ایران، تهران، انتشارات یساولی

صوراسرافیل، شیرین،۱۳۷۸، رنگ های ایرانی، تهران، موسسه تحقیقات فرش دستباف

کوپر، جی.سی،۱۳۷۹، فرهنگ مصور نمادهای سنتی، ترجمه ملیحه کرباسیان، تهران، نشر فرشاد

کیانی، منوچهر ،۱۳۷۷ ، کوچ با عشق شقایق ، شیراز ، انتشارات کیان‌نشر

لسترنج، گی، ۱۳۳۷، جغرافیای تاریخ سرزمین‌های خلافت شرقی ، ترجمه محمود عرفان ، تهران ، انتشارات

هال،آلستر، جوزه لوچیک ویووسکا،۱۳۷۷، گلیم: تاریخچه، طرح، بافت و شناسایی، ترجمه شیرین همایونفر و نیلوفر الفت‌شایان، تهران، انتشارات ایران مصور

هانگلدین، آرمن ، ۱۳۷۵، قالی های ایرانی، ترجمه اصغر کریمی، تهران، نشر فرهنگسرا(یساولی)

راوچ، لئو،۱۳۸۶، فلسفه کانت، مترجم عبدالعلی دستغیب، آبادان، انتشارات پرسش

افشارجهانشاهی، ویکتوریا، ۱۳۸۰، فرآیند و روش‌های رنگرزی الیاف باموا‌د طبیعی، تهران، انتشارات دانشگاه هنرتهران

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

Analyzing the color woven Qashqaei

Mohammad Afrough : Assistant Professor at Arak University.
Asghar Javini : Member of the faculty of Isfahan Art University, Department of Painting.
Fathali GHashqaifar : coach at kashan University
Amirhossen Chitsazian : Member of the faculty of Kashan University, high art Studies.

Abstrac

Hand woven by nomads Qashqai as symbols of indigenous and ethnic arts and enjoys both functional and aesthetic features. colors, designs and elements of art and the aesthetic dimension of hand dyed and woven by nomads and have the fan base of cognitive processes. So that each of these dimensions may be suitable and appropriate vehicle for scientific study (cognitive technologies), ethnological, artistic (aesthetic) and is Semiotic. qashqaeis colors woven in two main categories and sub-divided. While its primary colors divided into two categories: primary colors, fixed and variable pick the colors. Primary colors, secondary colors as well as a combination of fixed and other dyes produced. in this paper, the study circle, color, aesthetic aspects, including color (color layout) and cognitive techniques such as dyeing, in dstbafth of qashqaees attention. From this perspective, this study indicates for the first time in the study area have been done by nomadic weaving.this article is The purpose of this research are fundamental and that is a cross-sectional method. Practices as well as the compilation of the field of library and more.

Research objectives

Documentation, scientific classification of color combinations and natural and vegetative dyes, as well as the search for influential factors in the combination of colors in woven, based on the native, ethnic and egalitarian approach.

Questions

What are the factors affecting the color of the nomadic wool?

Does the dyeing system of woolen embroidery contain its own formulas and color cycles? What are these combinations and cycles?

Keyword: native tribal and Applied art, qashqaie handwoven, qashqaie nomads, color, dayind.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی